



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۲/۱۰/۲۵

یونس نگاه

## سیاست افغانستان نیازمند سوال‌های تازه است

در جبهه مقابل طالب تحركات شكلی زیادی را شاهدیم. جبهات نظامی شكلی گرفته است، حرکت‌ها و گروه‌های مخالف طالب اعلام وجود کرده‌اند، اساس‌نامه‌ها و اعلامیه‌های بسیار نوشته شده، تظاهرات و کنفرانس‌ها برگزار شده و بحث‌های فراوان در نكوهش وضعیت موجود انجام یافته است؛ اما هنوز تحول سیاسی‌ای که حکایت از تغییر کیفی در رویکرد سیاستمداران به مسایل کشور باشد، رخ نداده است. از شخصیت‌ها و جریان‌های مطرح سیاسی تعریف تازه از وضعیت کنونی نشنیده‌ایم که حکایت تحول در دیدگاه خود آن‌ها باشد. آنان با ابزار، تاکتیک‌ها و حتا چهره‌های تکراری می‌کوشند راهی برای "نقش‌آفرینی" خودشان جست‌وجو کنند.

قشری‌نگری و ناتوانی در دیدن تصویر کلان معضله افغانستان، کمبود مشترک و مزمن نیروهای سیاسی است. بیشتر آنان پی‌گیر آجندای شخصی و گروهی‌اند، منافع کوتاه مدت را ترجیح می‌دهند و برای کار بلندمدت انگیزه ندارند. حس مالکیت نسبت به کشور و سیاست آن، به ندرت در میان این گروه از سیاستمداران دیده می‌شود و آنان چون قراردادی‌ها و ذینفعان ثالث، نقش دست‌های بیرونی یا آسمانی را چنان برجسته می‌بینند که کار اصلی‌شان سنجش مسیر بادهای استخباراتی، توکل به شانس و انتظار فرصت‌های طلایی شده است. وقتی جمع یا گروهی، حزب یا تشکیلات سیاسی می‌سازد، انرژی کمی را برای بررسی وضعیت نیروهای داخلی، ظرفیت‌های سازمانی و سیاسی خود، راه‌های تماس با مردم و بسیج توده‌ها صرف می‌کند.

زمانی در دوران جمهوریت، تحول نسبی در بازار، افزایش سطح سواد و ظهور طبقه متوسط درحال رشد، جامعه‌شناسان را به احتمال تحول در عرصه سیاسی کشور امیدوار ساخته بود، اما گسترش دامنه ناامنی و تروریسم مانع نفوذ توسعه به سراسر کشور، به‌خصوص روستاهای تحت تسلط طالبان شد و در نتیجه سنت پروژه‌اندیشی، فرقه‌گرایی و تنظیم‌بازی تقویت شد.

بعد از افتادن کشور به چنگ طالبان، دوباره امیدواری برای درس‌گیری از گذشته و به حاشیه رفتن شخصیت‌ها و جریان‌هایی ناکام زنده شد، اما هنوز باید انتظار کشید و دید که آیا این امید تا چه حد واقعی است. عکس‌العمل زنان در برابر محدودیت‌های گروه طالبان، حضور محدود، اما پایدار آنان در جاده‌ها برای طرح حقوق کار، آزادی و تحصیل یکی از نشانه‌های درستی این امید بوده است. ۲۰ سال فرصت نسبی تعلیم و زنده‌گی در فضای غیر طالبانی جامعه را قوی‌تر و آگاه‌تر از زمانی ساخته است که طالبان برای بار اول اداره کشور را به دست گرفته بودند. حمایت گسترده از حق تحصیل دختران و بالا شدن شعارهای مکتب‌خواهی در روستاها و مناطق محرومی که در گذشته پایگاه اجتماعی طالبان تلقی می‌شدند، نشانه دیگر تحول است؛ اما قشر تحصیل‌کرده، آشنا با ارزش‌های مدنی و آگاه از ضرورت‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما که می‌توانستند تمایل اکثر مردم را به آموزش، کار و آزادی به نیروی سیاسی بدل کنند، با آمدن طالبان در گوشه و کنار جهان پراکنده شده‌اند و اگر در داخل مانده‌اند، از تمام آزادی‌های لازم برای کار اجتماعی و سیاسی محروم گشته‌اند. این‌گونه، میدان برای بازگشت بازی‌گران سنتی هموارتر شده است. آنان متاسفانه به انفعال، تنگ‌نظری و قشری‌گرایی چنان آلوده شده‌اند که نه خود می‌توانند از غرقاب بیرون شوند و نه مردم به آنان اعتماد خواهند کرد.

میان این جمع از سیاستمداران، سوال‌های سیاسی نیز منفعلانه، سمتی و قشری است. در جمع آنان به ندرت سوال‌هایی از این دست پرسیده می‌شود: چطور می‌توان ریشه‌های بنیادگرایی و تروریسم را در درون جامعه خشکاند؟ عوامل داخلی و بنیادی بحران چیست و چگونه می‌توان آن‌ها را هدف قرار داد؟ حلقه ضعیف در زنجیره بنیادگرایی، تعصب، استبداد و تروریسم کدام است و مبارزه با این پدیده‌ها را از کجا شروع کنیم؟ گروه‌های غیرطالب در خلق این وضعیت چه نقشی داشته‌اند و چگونه می‌توان از گذشته‌ها آموخت؟ در جبهه مدافعان ترقی و پیشرفت چگونه می‌توان هم‌سوایی و اتحاد ایجاد کرد؟

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

بیشتر این گروه از فعالان و مدعیان سیاست، سوالی ندارند و با پیش‌فرض‌ها و کلیشه‌های سنگ شده سیاست می‌کنند. آنان اگر سوال مطرح می‌کنند نیز منفعلانه و پروژه‌ای است: امریکا تا چه زمان از طالبان حمایت خواهد کرد؟ آیا پاکستان در ایجاد دولت فراگیر، طالبان را زیر فشار قرار خواهد داد یا خیر؟ به چه طریق می‌توان طالبان را به ساختن حکومتی تشویق یا وادار کرد که در آن به رهبران احزاب و «شخصیت‌های» مطرح تنظیمی و قومی پست‌های مهم برسد؟ به کدام کشور خارجی بیشتر تمایل نشان دهیم تا از معادلات آینده سیاسی حذف نشویم؟ مسیر تازه با سوال‌های تازه آغاز می‌شود. نسل نو سیاست‌مداران کشور برای آن‌که از سایه خطاها و توهمات گذشته‌گان بیرون شوند، باید سوال‌های غیرتنظیمی، غیرپروژه‌ای و تازه مطرح کنند.

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ